بررسی فولکلور در شعر سبک هندی

دکتر محمود رنجبر[1]

چکیده:

بررسی و تحلیل سبک هندی به عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ ادبیات کشورمان چه از منظر تاریخ زبان و چه از وجه زبانشناختی و سبک شناسی مورد توجه اهل فن قرار گرفته است. رویکرد موضوع محور این سبک با آفرینش مضامین جدید نشان می دهد که شاعر خود را در برابر دو آینه‌ی تمام نمای تحول اجتماعی و تغییر هویت فردی می‌دیده است. گسترش مناسبات شاهان صفوی با کشورهای مختلف؛ مهاجرت بسیاری از شاعران و اهل اندیشه به سرزمین گورکانیان هند و خالی شدن گستره ادبیات ایران از بحث و فحص مباحث ادبی باعث شد تا ادبیات درباری از کاخ ها و گوشه‌های تخت شاهی به کوخ‌ها و تخت حوض قهوه‌خانه‌ها روانه شود. چرخش ادبیات به سمت توده‌ی مردم دروازه ورود خواست اجتماعی بوده که بعدها به ویژه در عصر مشروطه و چندی بعد در دوره معاصر خود را به اشکال مختلف نشان می‌دهد، به گونه‌ای که پژوهشگر شعر معاصر ناگزیر از طرح مناسبات و موضوعات سبک هندی است. این مناسبات و مختصات سبکی در دوره صفوی به شکلی آشکار ظهور یافته است؛ نمونه آن اهتمام شاعر به توده جامعه است.

در این مقاله که به روش اسنادی- کتابخانه‌ای تهیه شده تلاش می‌شود تا عوامل متعددی از جمله مهاجرت، ورود شاعران کم سواد و تغییر زاویه دید را به منزله عوامل ترویج ادبیات عامه(فولکلور) بررسی نماید.

در این نوشتار با معرفی اجمالی وضعیت سیاسی، اجتماعی عصر صفویه در ابتدا مهمترین عوامل تغییر سبک ادبی برشمرده شد، پس از آن به پیشینه‌ی ادبیات عامه و چیستی آن پرداخته شده است، در ادامه نیز سبک هندی و گزاره‌های فرهنگ توده در این سبک بازگو گردید و برای رفع ابهام موجود در چگونگی حضور اشارات فرهنگ توده در سبک هندی عوامل تأثیرگذار بر حضور فولکلور در این سبک مطرح شد. در خاتمه نیز برای شاهد مدعای برشمرده شده مثال‌هایی از شاعران این سبک ارایه - گردید.

واژگان کلیدی: فولکلور، سبک هندی، عصر صفوی،شعر فارسی،فرهنگ توده

دانشگاه هرمزگان
انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

مقدمه

تنوع فرهنگی و جمعیتی در کشورمان، این سرزمین اهورایی را به مثابه‌ی بهشت مطالعات زبانشناسی ، جامعه شناختی، اسطوره شناختی بدل ساخته است. وجود اقوام و طوایف مختلف با دانش برگرفته از تاریخ شفاهی، گستره‌ای درخشان از پژوهش‌های مردم‌شناسی و زبانشناسی را موجب می شود. حوزه فرهنگی ایران بزرگ از دیرباز به عنوان یک حلقه مهم اتصال بین هندوستان کهن و فرهنگ‌های فخیم کشورهای مدیترانه به دنیای علم شناسانده شده است. سرزمینی که ارزش‌های فرهنگی در آن ذوب گردیده، جایی است که خصوصیات قبایل و امم مجاور آن با جلوه‌های فرهنگی و بومی و محلی درهم آمیخته و به اندکی تغییر و دگرگونی به ادوار بعد سپرده شده است (مارزلف، ۱۵:۱۳۷۱). بنابراین اگر هر گوشه‌ی تاریخی ایران را چه در بدترین شرایط اجتماعی، سیاسی آن؛ همانند حمله قوم تاتار و قبض فرهنگ ایرانی و چه در بهترین شرایط اقتصادی و فرهنگی مانند حکومت شاه عباس صفوی بررسی نماییم، به مجموعه‌ای درخشان از تحقیقات بایسته‌ای خواهیم رسید که برای نسل‌های حاضر و آتی بسیار مفید خواهد بود، همان‌گونه که در این مقال، برش تاریخی از حکومت صفویه مورد بررسی قرار گرفته است و در برابر ادبیات این دوره پاره‌هایی ارزشمند از فراز و فرود اندیشه بشری را جلوه‌گر می‌نماید.

تعامل بین اجتماع و فرهنگ در دوره صفویه نشان می‌دهد که وجه غالب توجه شاهان صفوی در حکومت‌داری جنگ برای بسط نفوذ قدرت و گسترش منویات خود در حوزه مسایل داخلی ؛ تعامل محتاطانه در سیاست خارجی و گسترش فرهنگ مدح ائمه(ع) در حوزه فرهنگ بوده است (ر.ک: صفا،۱۳۶۸: ۷۵۴). اگرچه برخی معتقدند که ظهور سلسله‌ی صفویه در ایران نه تنها برای این کشور و همسایگان او بلکه برای اروپا نیز واقعه‌ی تاریخی مهمی به شمار

۱ـ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

می رود. زیراعلاوه بر آنکه موجب استقرار ملیت ایران و برقراری شاهنشاهی این کشور گشت، سبب شد که این مملکت در مجمع ملل وارد شود و منشأ روابط سیاسی گردد که هنوز هم تا درجه‌ی مهمی پایدار است..... صفویه خاندانی بودند که ایران را بار دیگر ملّتی .. متحد، توانا و واجب‌الاحترام کردند و مرزهای این کشور را به حدود امپراتوری ساسانی رسانیدند (بروان،۱۳۴۵:۱) مراوده های سیاسی، منجر به دیپلماسی سخت کوشانه‌ای شد، تا حدی که شاه اسماعیل حامل شاخه زیتون صلح برای اروپاییان به شمار می‌رفت (توتونی،۱۳۷۴ :۳۳۴). در چنین شرایطی که مملو از شکوفایی و تلاش چشمگیر و جدی بود؛ شواهد دیگرتاریخی نیز نشان می‌دهد که عده زیادی از شاعران علیرغم میل خود[1] به دربار گورکانیان هند می‌روند و بعد از شهرت و ثروت به وطن باز می گردند (بروان،۱۳۴۵: ۳۵) این مهاجرت‌ها تحفه‌ای ارزشمند برای تاریخ ادبیات ایران به همراه داشت و باعث شد تا شعر دوره قبل یعنی دوره تیموری که به اضمحلال می‌رفت؛ در این دوره با اندیشه‌های نوین و خیال‌انگیز هند درآمیزد و در جامه‌ای دیگر، مضامین پسندیده‌ای را به مردم انتقال دهد. تأثیر این تعامل فرهنگی به گونه‌ای بود که حتی شاعرانی که خود در کسوت عالم بزرگ و متعصب عصر بودند، به شعر گرایش پیدا کردند؛ کسانی چون علامه مجلسی، ملاصدرا، محقق لاهیجی، میرفندرسکی، میرداماد، فیض کاشانی و شیخ علی‌نقی کمره‌ای؛ البته با اشارت‌هایی به سبک غالب عصر خود (سبک هندی) می‌سرودند (خاتمی، ۱۳۷۱:۲۰). البته با نگاهی به مناسبات تاریخی و تحولات اجتماعی عصر صفوی می‌توان دریافت که این تغییر رویکرد، نتیجه پوست‌اندازی زبان است که پیشینه تاریخی و زبانی آن را در سه عامل مهم زیر می‌توان نام برد (محمدی،۱۳۷۴:۶۰):

۱ـ تهاجم مغول و پس از آن تیموریان و نیروهای مذهبی صفویان

۲ـ از بین رفتن مراکز فرهنگی و علمی به دلیل عدم توجه عالمان به مدارس

۳ـ مهاجرت اهل دانش و فرهنگ به هند

این عوامل باعث شد که شاعران سبک هندی با چرخش به سمت واقعیات تجربه‌مدار و مورد توجه مردم، پیش از آن که با مفاهیم زبان و تاریخ شعر بگویند؛ با چشمانشان جهان پیرامون را با مضامین انتزاعی درآمیزند و غزل و قصیده بسرایند. در نتیجه‌ی کم توجهی امیران صفوی به شعر مدح و دور شدن فضای شادخواری‌های درباری دوره‌ی سامانی و غزنوی، شاعران این عصر به قهوه‌خانه روی آوردند تا اگر دهانشان از صله شاهان پر نمی‌شود، احساس پذیرش مخاطب و تصدیق‌های دیگران از آنان کم نگردد. در همین دوره است که قهوه‌خانه‌ها، بازارها و میدان‌ها به عنوان مراکز اجرای شعرخوانی و داستان‌گویی و تلفیق داستان و نمایش با نقالی خودنمایی می‌کند و داستان‌گویان و شاعران در قبال دریافت مزد داستان‌هایی رمانتیک و حماسه‌هایی از شاهنامه فردوسی و حوادث تاریخی را با سوانح زندگی اولیاء به هم گره می‌زدند (مازرلف، ۱۳۷۱:۴۱) و به شنوندگان ارایه می‌دادند. این روند زمینه ای شد تا حدی که برخی معتقدند بیشتر قصه‌های عامیانه نقالان از دوره صفوی به بعد ساخته شد (سعادت،۱۳۸۵: ۲۸۸).

با تغییر روند حمایت دربار از شعر و به طور کلی دانش که بعد از قرن ششم و به ویژه بعد از حمله مغول صورت گرفت، شعر از دربار به حلقه‌های عمومی جامعه روانه شد، ذهن عوام نیز به جهت محدود بودن به محسوسات و واقعیت‌های زندگی، هنر واقع‌گرا را بیش از دیگر هنرها می‌پسندد. زمینی فکر می‌کند و آرمان خود را در دنیای واقعی می‌جوید. (محمدی،۱۳۷۴: ۷۷).

فولکلور چیست؟

فولکلورFolklore از دو کلمه انگلیسیِFolk به معنی توده وlore به معنی دانش علم به آداب و رسوم توده‌ی مردم و افسانه‌ها و تصنیف‌های عامیانه،توده شناسی است(معین،۱۳۶۵). مجموعه‌ی عقاید، اندیشه‌ها، قصه‌ها، آداب، رسوم، ترانه‌ها و هنرهای ساده و ابتدایی یک ملّت را فولکلور گویند (دهخدا ،۱۳۳۹).

فرهنگ عوام، دانش مردم، فرهنگ توده؛ عنوان ترجمه واژه‌ی Folklore است . اولین بار نویسنده و محقق

فنلاندی به نام ویلیام جی‌تامس با اسم مستعار آمبرولیز مورتن در سال ۱۸۸۵میلادی آن را در یک مجله انگلیسی زبان به کار برد. مورتن قصد داشت با این اسم ترکیبی، مفهوم دانش عامیانه را نشان دهد، مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات، آیین‌ها و... مردم. این دانش یا به عبارتی فولکلور در ایران، واژه‌ای نوین است که مدت کاربرد آن در بین محققان فارسی زبان به یکصدسال هم نمی‌رسد (انجوی،۱۳۷۱: ۲۳) این تازگی بر پیشانی حقیقتی تاریخی نهفته است که فرهنگ و تاریخ ایران را بر مدار تذکره شاهان به جولان وا می‌داشت. تاریخ کشورمان پر بود از حکایت‌های شاهانه و کرامت‌بخشی‌های آنان به ویژه به شاعران مداح و چاپلوسی که از واقعیت زندگانی مردم خویش به دور بودند و–تنها– رسوم نداشته شاهان پرطمطراق را می‌ستودند، در عهد صفوی باتوجه به تناقضی که بین دو حکومت صفویه و شاهان گورکانی در هند وجود داشت.

برخی از عمدترین شاعران تازه کار این دوره در عین توجه به مضمون از مدح به شکل افراطی آن دست کشیدند و آن را در زندگی روزمره خود نیز دخالت دادند، حاصل گرایش به زندگی واقعی و محدود بودن دایره واژگان شاعرانی از اصناف مختلف و کم سواد موجب طرح مضامین فرهنگ عوام بود که گونه‌ای متفاوت از پیچیدگی‌های تجربه شده را به همراه داشت. حرکت در این مسیر اگرچه سرانجام به افول سبک هندی انجامید و به قولی که درباره میرنجات (ف ۱۱۲۶ قمری) گفته شده شعرهایش پسندیده طبع عوام شد، یعنی تابع روزمره ـ محاوره ـ اجامِر و اوباش و بازاریان گردید، دلیل مقبولیت طرز میرنجات در میان عوام فقدان ذوق فرهیخته و عدم آشنایی عوام با مراتب سخنوری و فنون ادبی است (فتوحی، ۲۶۲:۱۳۷۹). با این حال در اوج اقبال شعر سبک هندی، کسانی بودند که معتقد بودند شاعر کسی است که زبان عوام را بداند. به قول جلالای طباطبایی – از شاعران صفوی– که می‌گوید زبان شاعر برگرفته از زبان اهل کوچه و بازار است و شاعر زبان خود را از زبان محاوره می‌گیرد و آنها که محاوره نمی‌دانند در واقع با زبان آشنا نیستند، گرچه شعر هم بگویند،اما از سرودن شعر فارسی ناتوانند (همان، ۱۳۶). چنین توجهی به دانش و زبان عوام، انگیزه‌ای شد تا اولین مجموعه‌ی فرهنگ عوام در این عصر گردآوری شود؛ اثری که آن را منسوب به آقاجمال خوانساری از بزرگان علم و دین در عصر صفویه بر می‌شمارند، در واقع وی نخستین کسی است که با جمع‌آوری معتقدات و عقاید زنان در کتابی به نام «عقایدالنساء» که بعدها به کلثوم ننه شهرت یافت[۲]، خدمتی شایان توجه به کار تألیف این دانش نمود. از میان مستشرقین نیز ژوکوفسکی؛ آرتور و کریستین سن جزو اولین کسانی بودند که به کار جمع آوری و تحقیق ادبیات عامه توجه نشان دادند(میرصادقی،۷:۱۳۷۳).

کار جمع‌آوری فرهنگ عوام تا سالها متروک ماند؛ اما در سالهای اخیر از مشهورترین کسانی که به روش علمی کار تحقیق و تتبع در فرهنگ مردم را دنبال کرد، صادق هدایت بود. وی در سال۱۳۱۰(ه.ش) رساله‌ای با عنوان «اوسانه» و دو سال بعد نیرنگستان را منتشر کرد تا فولکلور و فضای گسترده تحقیقی در بستر این مفهوم فرهنگی را بیش از پیش به مردم و محققان نشان دهد. این کار هدایت باعث شد تا اندکی بعد موزه مردم‌شناسی و بعد از آن طرح ملی جمع‌آوری فرهنگ مردم در سالهای ۱۳۲۲ و ۱۳۲۴ (ه.ش) به یاری غلامحسین مین‌باشیان رئیس اداره موسیقی و مدیر مجله موسیقی آغاز شود و سرانجام موزه مردم‌شناسی به اداره فرهنگ عامه در وزارت فرهنگ و هنر تغییر نام داد تا مأمور جمع‌آوری اسناد و مدارک مربوط به فرهنگ مردم شود. از آن سالها تاکنون کتاب‌های ارزشمند و اسناد معتبری درباره فرهنگ مردم جمع‌آوری شده است. اما تاکنون کتابی روش‌مند که شاخصه‌های فرهنگ مردم در سبک هندی را به علاقه‌مندان ارایه دهد، تألیف نشده است. تدوین چنین کاری بدیع به ادبیات و جامعه‌شناسان کمک خواهد کرد تا در بستری مقایسه‌ای به تاریخ تطور ادبی، نگاهی دقیق و شفاف داشته باشند.

درون‌مایه‌ی اشارت‌های فرهنگ مردم، ارتباط دو سویه‌ی اشیاء را بیش از پیش متجلی می‌سازد و این تجلیگاه تاریخ هزاران ساله‌ی یک قوم را آیینه‌ی تمام نمای آینده نسل‌ها می‌سازد، تاریخی که امروزه برخی آن را به دلیل پیشرفت‌های علمی و اجتماعی رد می‌کنند و حتی مورد تمسخر قرار می‌دهند، اما تجربه‌های تاریخی نشان داده است

که این فرهنگ در گذار سال‌های تقویمی تأثیر خود را بر خصایص و خوی اجتماعی مردم نهاده است، حاصل این تأثیرگذاری پیوندی است که بسیاری از مردم عصر فضا و الکترونیک امروز نیز در سیر آفاق رویایی آن لحظات خود را می‌گذرانند. بهره‌مندی فراورده‌های هنری و ادبی یک دوره از فرهنگ عامه حضور روح زمان را در متن زندگی مردم نشان می‌دهد، اصطلاح روح زمان یا روح زمانه که برای تحلیل واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی و کشف زوایای ذهن آدمی و تعامل انسان و محیط به کار گرفته‌اند، در حقیقت به این موضوع اشاره دارد که ذهن آدمی در خلأ رشد و نمو نکرده است، بلکه صرفاً مبین واقعیت اجتماعی و تاریخی است که با دقت در آن می‌توان نبض حیات را مشاهده کرد(بهروز، ۱۶۸:۱۳۸۵).

برای بررسی جنبه‌های تأثیرگذار فرهنگ عوام باید ارتباط دوسویه ادبیات با تاریخ و جامعه‌شناسی را مورد توجه قرار داد، اگرچه این ارتباط به زعم برخی افراد همچون گریلپارمتر (ولک، ۱۷۷:۱۳۷۵) مایه پیشرفت ادبیات نبوده است، اما باید پذیرفت که تأثیر شاعر، نویسنده و هنرمند از رویدادهای تاریخی و پیوستگی‌های عقیدتی به وی کمک می‌کند، حداقل زندگی در خلاء نداشته باشد، البته تصور تعالی این اثر ادبی بدون برخورداری از نعمت آرایه‌های هنرمندانه تاریخی و نمودهای هوشمندانه مردم زمانه، امری غیرقابل پذیرش است.

در مجموع باید به این نکته تأکید کرد که فولکلور بسته نرم‌افزاری مشخص و محدود به قوم و قبیله‌ای نیست که بتوان آن را به طور تام، محدود به یک قبیله یا ملّت قلمداد کرد. بررسی‌های شعر سبک هندی در ادامه نشان می‌دهد که با ورود شاعران صنعت پیشه که شاعری به عنوان حرفه اصلی آنها محسوب نمی‌شده، همانند حسین ثنایی، خواجه شاپور تهرانی که از پیشه‌وران بازار بودند، مجموعه‌ای از آداب، روش و فرهنگ عامیانه این حِرَف را وارد فضای شعر سبک هندی کرده‌اند، شاعرانی نظیر آقا مسیب چیت‌گر که پارچه‌فروشی داشته و محمدطاهر نقاش از جمله کسانی بودند که به واسطه‌ی شغل خود فرصت تورق در دیوان بزرگان علم و ادب را نداشتند، اما با ورود به فضای شعر و اتکای به ذوق خود بر دامنه وسیع فولکلور افزودند (صفا،۵۱۲:۱۳۶۸)

سبک هندی و فولکلور

اگر عصر مشروطه را دوره اوج طرح مسایل اجتماعی و سیاسی و دغدغه‌های مردم بنامیم، باید عصر صفوی را پایه و دروازه این شیوه‌ی بیان برشمرد. در سبک هندی گزاره‌هایی از زندگی همگانی و حکمت‌های مردمی دستمایه شاعران شد که تا پیش از این در تاریخ ادبیات ما به ندرت و گاه در حد بدعت بوده است. یکی از این بدعت‌گذاران که به طرز ماهرانه‌ای حکمت عامه را در شعر و نثر خویش وارد کرده است، سعدی شیرازی شاعر سده هفتم هجری قمری است. وی با روحیه پرسشگر و جهانگردی در مصاحبت با مردم، از هرگوشه‌ای چیزی فراهم آورد تا از میان پدیده‌های مختلف زندگی، عناصر مؤثر در حیات عموم را برگزیند و سپس توسط آنها به تبیین نظریاتش بپردازد (ناصح،۱۳۶۹: ۲۵۲). یکی از مهمترین ابزارهای سعدی برای ورود فرهنگ توده به حوزه‌ی ادبیات، بهره‌گیری از اسلوب معادله است. شفیعی‌کدکنی این اصطلاح را برای تمایز آن با تمثیل به کاربرده است. در اسلوب معادله وجه استعاری زبان با سخنان موجز و در عین حال ساده پیوند می‌خورد و راه برای ورود گوشه‌ها(کنایه) و باورهای عامه مردم باز می‌گرداند. به عبارتی در اسلوب معادله، شاعر به گفته‌هایی استناد می‌کند که بین عامهٔ مردم زمان خود رواج دارد و البته به دلایل مختلف در دوره‌های بعد از جمله باورهای خرافی، عدم استقبال از وجه مثالی آن بسیاری از این وجه استعاری سخنان شاعر در همان عصر جاماند. مانند:

جسم خاکی مانع عمر سبک رفتار نیست پیش این سیلاب کی دیوار می‌ماند به جا
(صائب،۱۳۵:۱۳۷۵) .

آدم خاکی ز خامی دارد از می اجتناب کوزه‌ی گل، پخته چون گردد نمی‌ترسد ز آب
(غنی کشمیری، دیوان،۳۵)

از منظر آرایه‌ی ادبی نیز در اسلوب معادله شباهت میان دو مصراع مورد توجه شاعر است. به عبارتی «شاعر در مصراع اوّل چیزی می‌گوید و در مصراع دوم چیزی دیگر اما دو سوی این معادله، از رهگذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگرند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۸۴).

در سبک هندی نیز با جستجوی موارد کاربرد اسلوب معادله، می‌توان دریافت که علاوه بر شاعران کم مایه تعدادی از شاعران بزرگ این عصر نظیر صائب، کلیم و بیدل به آن توجه ویژه‌ای نشان دادند. البته بهره‌مندی آنان از این شیوهٔ بیانی، حرکت از معقول ذهنی به مفهوم حسی و نوعی بازی زبان و معناست، که کارکرد قوی در تبدیل‌سازی دنیای ذهنی و تجریدی[۳] به دنیای حسی و عینی[۴] دارد (فتوحی،۱۳۸۱: ۱۴).

کاربرد چنین شیوه‌هایی موجب شد تا وسعت دایره‌ی فرهنگ توده در این سبک گسترش یابد. غلبه‌ی فرهنگ توده و خلاء نبود شاعران طراز اول در ایران و تغییر ذائقه‌ی مخاطب موجب شد تا بسیاری از واژگان و لغات ادبی قدیم از صحنه‌ی شعر و ادب رخت بربندد، به نحوی که می‌توان گفت زبان شعر سبک هندی، زبان جدید فارسی است و دیگر از مختصات زبان قدیم، مخصوصاً سبک خراسانی در آن خبری نیست (شمیسا، ۱۳۸۲ : ۲۹۶).

در قالب شعری نیز شعر سبک هندی تغییر یافت، قالب شعری از قصیده به غزل گرایش پیدا کرد، حتی غزل‌هایی که در محور عمودی نیز با معانی منسجم همراه بود، تغییر شکل داد و به صورت تک بیت و تک مصراع نمود یافت. چنین رویکردی خواست مخاطبان عوام شعر سبک هندی بود، دیگر آن نگاه از بالا به پایین در شعر حکمفرما نبود، بلکه این خواستاران شعر بودند که به مضمون و حتی قالب شعری جهت می دادند، زیرا با کشاندن شعر از دربار شاهان هواخواه مدح و ثنا در دهه‌های گذشته، به سوی مردم کوچه و بازار و طولانی شدن مضمون مورد نظر شاعر در گستره ابیات قصیده، شاعران به غزل روی آوردند. غزل این توانایی را دارد تا پیچیده‌ترین معانی را در قالب افقی خود در یک بیت جای دهد.

کار شگرف شاعران این دوره چنین بود که حتی با یک مصراع پیچیده و یک مصراع بسیار ساده به شرح مصراع نخست همت می‌کردند:

بر گرفتاری دل خنده زنان می گـــــذرم — همچو دیوانه که از پیش دبستان گذرد.
دست و پا بیهده زد در غم عشق تو کلیم — به ثنا کس نتواند که زعمّان گـــــذرد
(دیوان کلیم کاشانی:۱۳۸۳)

زمینه های این چرخش نتیجه حرکتی بود که از دوره تیموری و عصر فغانی و پیش از او آغاز شده بود (شفیعی، ب-۱۳۶۶: ۲۹)

البته این تغییر مخالفانی نیز به همراه داشت؛ آذر بیگدلی در تذکره‌ی مشهورش این سبک را سبک «جدیده‌ی ناپسندیده و هر روز در تنزل» می دانست. نویسنده آتشکده آذر که به عنوان یکی از تذکره‌های جدی تاریخ ادبی کشورمان مشهور است؛ درباره‌ی صائب می‌نویسد: از آغاز سخن‌گستری ایشان طرق خیالات متینه‌ی فصحای متقدمین مسدود و قواعد مسلمه استادان سابق مفقود و مراتب سخنوری بعد از جناب میرزای مشارالیه که مبدع طریقه‌ی جدیده‌ی ناپسندیده بود،هر روز در تنزل (آذر بیگدلی، بی تا: ۱۲۲).

در نثر این دوره نیز اوضاع مناسب نبود، ترکیبات عربی و عبارات خام جای ترکیبات لطیف و اصطلاحات ظریف فارسی را گرفت، ضرب المثل های شیرین فارسی به عبارات تازی مکرر و بی روح بدل گردید (بهار،۱۳۶۹ : ۲۵۵).

کتب علمی،ساده و روان بود و احیاناً درستی و کم مایگی از عصر تیموری نیز فروتر افتاده بود (همان،: ۲۵۸).

عوامل تأثیرگذار بر حضور فولکلور در سبک هندی

از مجموعه گزارش‌هایی که از تذکره‌ها در باره وضعیت شعر و نثر در دوره صفویه به دست آمده است، هفت عامل زیر را می توان به عنوان عوامل تأثیرگذار بر حضور فرهنگ عامه در شعر سبک هندی معرفی کرد:

دانشگاه هرمزگان
انجمن زبان و ادبیات فارسی
هفتمین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی
www.anjomanfarsi.ir

۱- بی رغبتی شاهان صفوی به شعر

در هنگامه‌ای که کتابخانه «شاه جهان» وارث اکبر و جهانگیر گورکانی از نوادگان چنگیز خان، چندین هزار کتاب منتخب خوش خط داشت و از اقسام فنون و اصناف علوم عربی و فارسی و «انگریزی» در آن کتاب یافت می‌شد، شاه عباس صفوی به دلیل تمایل فراوان به فقیهان و طرح مباحث دینی به شاعران، بهایی نمی‌داد (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۲۹۷) و اگر اندک رفت و آمدی به دربار اصفهان می شد، اشعاری مورد توجه قرار می گرفت که مفهومی جز ثنای اهل بیت(ع) نداشت. از سویی دیگر جلال و شکوه بی پایان شاه جهان در هند و نواخت شاعران با صله‌های فراوان موجب تشویق شاعران برای ترک یار و دیار می‌شد.

۲- هجوم امیران و حاکمان منطقه‌ای

جنگ های متوالی برخی امیران و خان‌های منطقه اگرچه به یکپارچگی ایران لطمه‌ای وارد نکرد، اما موجب شد که شاهان صفوی بخش اعظمی از همت خود را مصروف جنگ با این یاغیان و متعدیان به تاج و تخت سلطنتی نمایند.

۳- ایجاد حس نوستالژیک و غم غربت

نعمت هند فراوان بود اما نرود یاد گیلان ز دل و حسرت نان لاکو

(محمد قلی سلیم ؛ سراج الدین علی خان،۱۳۶۳:۱۲۳۸)

شعر غم در عصر صفویه به عنوان یکی از مضامین اصلی اشعار بدل گشت، فراق شاعران از یار و دیار باعث شد تا بخش اعظمی از شعر این دوره رنگ و بوی غربت به خود گیرد. این مفهوم البته فارغ از برداشت غربت انسانی در دنیاست، بلکه به سبب واقع گرایی شاعر سبک هندی تصویر او از جدایی و دوری وطن همان احساس ویژه‌ای است که در غم دوری از دیار پس از مدتی گریبان هر مسافری را می گیرد:

کیست جز گریه به دلتنگی ما رحم کند؟ سیل بر سینه مگر چاک زند صحرا را

(صائب ج ۱: ۲۴۰)

در غریبی زود میرد نازپرورد وطن شد نگین دان چار دیوار لحد فیروزه را

(صائب ج ۱: ۱۳۶)

نازی که داشتم به پدر چون عزیز مصر در غربت این زمان ز خریدار می کشم

(صائب ج ۱: ۱۳۶)

٤- پیوند با سادگی و صمیمت موجود در فرهنگ عوام

از زمانی که گوسان ها به عنوان دوره گرد، ادبیات شفاهی ایران داستان‌های ملی را در چهار گوشه‌ی حکومت پارت به مردم منتقل می‌کردند، کسی تصور نمی‌کرد که آنها مهمترین انتقال دهنده فرهنگ یک دوره به دوره‌ای دیگر باشند، در واقع گوسان‌های شاعر و موسیقی دان با خواندن ترانه‌های شفاهی ملّی و انتقال آن به دوره ساسانیان از جمله کسانی بودند که منابع عظیم خوتای نامک را برای بوجود آوردن شاهنامه فراهم کردند (تفضلی، ۱۳۷۷: ۷۶) این داستان‌ها و قصه‌های شفاهی عامیانه از صمیمیت در زبان و معنا برخوردار بود و همین موضوع باعث می شد تا گوسان‌ها در محافل مختلف مورد توجه مردم قرار گیرند و بسیار محبوب آنان باشند.

در میان داستان‌هایی که گوسان‌ها نقل می‌کردند، بسیاری از باورها، اعتقادات و برداشت‌های مردم از اساطیر نیز به همراه نکات تاریخی از جایی به جایی دیگر سینه به سینه می‌گشت، این شیوه صدها سال بعد در سبک هندی نیز مورد توجه شاعران این سبک قرار گرفت. با نگرشی به کارکرد لغات و سایر عناصر فرهنگی عوام در شعر سبک هندی می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که در آمیختگی فردیت و هویت فرهنگی و تاریخی یک ملّت موجب پویایی فرهنگ می‌شود، این پویایی سوی دو حرکت موازی است که به یک سو ختم می شود، اگر گفتگو از جنبه-

انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه هرمزگان
هفتمین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی
www.anjomanfarsi.ir

های فردی شاعر یا هنرمند باشد، ناگزیر از طرح فرهنگ و تاریخ هستیم و برعکس اگر از مقوله فرهنگ و تاریخ سخن به میان می‌آوریم، باید به نقش آفرینی هنرمند با استعداد بهره‌گیری او از گزاره‌های تاریخی و فرهنگی ملّت خویش نیز یاد شود، نظیر کاری که در بسیاری از اشعار سبک هندی متجلی است.

ندارم اختیار گریه امشب　　به در می‌گویم ای دیوار بشنو
(سلیم)

در این بیت شاعر از تعارف و رودربایستی معمول غالب مردم ایران سخن می‌گوید و انتظار دارد سخن او را شنونده به مخاطب اصلی ارایه دهد.

گاه شاعران بی هیچ تغییری در جنبه‌ی اعتقادی مردم آن را طرح می‌کنند و سامانه تحقیق را برای خواننده باز می‌نهند، گویی خود تنها روایتگری هستند که بیش از آنکه به جنبه تاریخی موضوع توجه داشته باشند، به گستره آرایه‌های ادبی اهتمام دارند. از نظر آنها بررسی بین واژه‌های ادبی و غیرادبی (عامیانه) وجود ندارد و ایشان هر وقت احساس کنند که نیازی به کلمه‌ای هست، بی پروا آن را در شعر خود به کار می‌برند. (محمدی، ۷۴: ۱۷۲).

پنبهٔ گوشم اگر پنبهٔ مینا گردد　　مستی بادهٔ گلرنگ دو بالا گردد
(صائب ج ۴ غزل ۳۲۵۹)

دو بالا: دو برابر

اندرین چارشنبه سوری　　شکمی از عزا برون آور
(اشرف، سراج الدین علی خان،۱۳۶۳:۱۱۵۸)

به مردم بر نیاید ریشه طول آمل از دل　　رهایی نیست زیر خاک چون سگ، زین مَرس ما را
(صائب ج ۱ غزل ۳۴۰)

مَرس: طنابی که در گردن سگ و دیگر حیوانات اندازند.

گرچه تادیب خلق بر فلک است　　کهکشان هم برای او فلک است (ظهوری؛ سراج الدین علی خان،۱۳۶۳:۱۱۸۲)

بین فلک مصراع نخست و فلک در مصراع دوم جناس برقرار است ؛ اما عمده توجه شاعر به شیوه تأدیب با چوب بود که در دوره صفویه رواج یافت.

وجود این واژگان و تعابیر عامیانه، شعر سبک هندی را دچار ناسازگاری واژگانی نکرده است و همچنان وحدت سبکی شاعران این دوره فاخر و قابل توجه می نماید. این فخامت زبانی که در شعر طالب آملی، صائب، کلیم و بیدل دیده می شود، در بهره‌گیری شاعر از کاربرد مثل در شعر هم هست، نوع رفتار زبانی عوام در فهم معانی با استعانت از مَثَل، انگیزه‌ای شد تا شاعران سبک هندی در بسامدی بالا از مَثَل در شعر و حتی تک بیت‌های خود استفاده نمایند. این شیوه بیانِ موضوع به گوینده کمک می‌کند تا در کمال ایجاز، سخن خود را بگوید، علاوه بر آن غالباً در بیان عادی مردم نیز ذِکر امثال به صورتی کاملاً ساده، بی پیرایه، کوتاه و مختصر بیان می شود؛ چنانکه مطلب از روشنی و دریافتی درست حکایت می‌کند و البته همین جاست که اثبات آن نیازمند دلیلی یا حجتی نیست، اصولاً وجود مثل خود حجت است برای قبول عام (ناصح،۱۳۶۹: ۶۳).

مثل که در اشعار سبک هندی نمونه‌های متعددی دارد، گاه با اساطیر پر کاربرد و مورد قبول عامه‌ی مردم نیز درآمیخته است، استفاده از اسطوره‌ها در بیتی که به همراه تمثیل است، به حوزه معنایی زبان نیز وسعت می بخشد؛ زیرا زبان در مسیر بازگشت خود به ساختار کهن نخستین، نیازمند ابزار و نشانه‌هایی است که با قدمت و اصالت آن ساختار، تناسب داشته باشد و اسطوره، قدیمی‌ترین ابزار بیان در تاریخ ادبیات است. به همین دلیل ساختار زیربنایی و لایه‌ی درونی بسیاری از آثار ادبی جهان را امروزه اسطوره‌ها شکل می‌دهند(زرلکی، ۱۳۸۰: ۳۷).

اگر به میکده منصور بگذرد داند　　که هرکه هست درو چند مرده حلاج است
(محمد قلی سلیم ؛ سراج الدین علی خان،۱۳۶۳:۱۰۸۱).

حرکت سبک هندی در بستر فرهنگ عوام در عین حالی که فضایی درخشان و تمثیلات زیبایی از باورهـای عامـه را وارد مجموعه شعر و ادب پارسی کرد؛ از آسیب‌هایی نیز به دور نماند به گونـه‌ای کـه برخـی معتقدنـد در سـبک هندی شاعرانی که تعادل را نگه داشته، گرد مضمون تراشی های بارز نگردیده اند، مقامی ارجمند دارنـد؛ ولـی سـیر نزولی سبک هندی از زمانی آغاز می گردد که شاعرانی بی مایه با تکلف فراوان به مضمون یابی گراییده و شعر را از مجرای اصلی خویش که بیان عواطف و عوالم نهانی باشد، به صورت ایماگویی و معماسرایی در آورده‌اند و سرانجام باعث روی برتافتن صاحبان اذواق سلیم از این سبک شده اند تا جایی که بعضی کمر مخالفت با این سبک را بسته و با قضاوت‌های یک طرفه اذهان سخن سنجان را مشوب ساختند (دریاگشت،۱۳۷۱: ۲۹۴). در حـالی کـه برخـی همـین فضای استعمال تعبیرات عامیانه را ناشی از اصرار شاعران سبک هندی در تازه جویی مـی داننـد (زریـن کـوب، ۱۳۷۲: ۳۰۹) و آن را از امتیازات شاعران این دوره بر می‌شمارند (شمس، ۱۳۶۷ : ۱۱۳) که بعدها توسـط شـاعرانی پیشـرو مثـل نیما به اوج خود رسید (همان: ۱۱۳).

۵- کم کوشی زبانی در کاربرد فرهنگ عوام

در باره بیدل دهلوی- یکی از شاعران بزرگ سبک هندی- گفته شده که اشعار وی علاوه بر آنکه در مکتب‌خانه‌ها مورد استقبال قرار می‌گرفت، جای ترانه‌های عامیانه و شعرهایی را که زحمت‌کشان و دهقانان به هنگام کار بـا خـود زمزمه می‌کنند، گرفته است (شفیعی کدکنی، ب-۱۳۶۶ : ۱۰۳) تعامل بین ترانه‌های عامیانه کـه مـردم اسـتفاده مـی‌کننـد و اشعار فاخر یک دوره بر این اصل مهم تأکید می‌کند که هیچ زبانی نمی تواند خود را پیراسته از تغییر بداند، بی‌شـک در تقابل بین زبان معیار با زبان کوچه و بازار و حتی دو زبـان از دو ملّـت مختلـف ایـن تأثیرپـذیری و تأثیرگـذاری وجود دارد، اما نحوه کاربرد واژگان دخیل در هر زبان تابع شرایط اجتماعی است، در واقع این کاربران و گویشـوران یک زبان هستند که نحوه بهره‌مندی از آن را انتخاب می‌کنند، اگرچه نباید تأثیر ورود هر واژه در شـعر یـا نثـر را در معنا یا معانی متعدد همراه با خود نادیده بگیریم، این واژگان به چند طریق می‌تواند وارد یک زبان شود (بهـروز، ۱۳۸۵: ۳۰)

استفاده افراد کم سواد از واژگان موجود در نوشتار خود و بهره‌گیری افراد با سواد و هنرمند از این واژگـان بـرای ایجاد طنز زبانی.

حرفی بگو سلیم ز اوضاع روزگار ما اهل بخیه‌ایم زمن اعتماد چیست

– اهل بخیه: هم مشرب – رند و خراباتی (محمد قلی سلیم ؛ سراج الدین علی خان۱۳۶۳:۱۰۲۰،)

ورود واژگان صنفی نظیر کاربرد واژگان مشاغل و حِرف که در سبک هندی بـه دلیـل وجـود شـاعرانی همچـون قصاب کاشانی، علی نقی قمی بنا، بواسطه عدم آشنایی با ادب عرب و عجم (شمیسـا ،۱۳۸۲ : ۲۸۵) بـی تکلـف الفـاظ عامیانه و تعبیرات محدود را با الهام از تجارب روزمره و اشخاص و اشیاء محیط به کار می برند.(آریان، ۱۳۵۲:۲۸۲)

تا کی ز دست بیمت ای غول گیوه کش از روی این و آن بملامت خجل شوم
(شفایی ؛ سراج الدین علی خان۱۳۶۳:۱۲۱۵).

چرا کسی جو حباب از ادب نگاه ندارد سری که غیر هوا پشم در کلاه ندارد
(بیدل، ۴۷۸)

گیوه‌کش: شخصی که کفش مردم را در اماکن مذهبی نگاه دارد.

تمایل خلاقانه شاعران برای تغییر در ساخت زبان به منظور گنجاندن معانی و مضامین جدید در شعر

ورود برخی واژگان در عین توجه به فرهنگ مستتر در آن، در برخی موارد مورد تغییر آوایـی قـرار مـی گیـرد تـا شاعر با خلق ترکیبی جدید به زعم خود مضمونی دقیق از اندیشه خود را به مخاطب ارایه دهد.

گهی مفتون زلفش گه گرفتار زنخدانش اگر از چاه بیرون آمدم در جاله افتادم
(تأثیر؛سراج الدین علی خان۱۳۶۳:۱۰۶۸)

در هندی دام را جال گویند و اگر به جیم فارسی خوانده شود به معنی گور و مغاک خواهد بود و مناسب زلف به معنی دام است (سراج الدین علی خان محمد؛۱۰۶۸:۱۳۶۳)

نمی توان دل مردم ربود و پس زخم زد　　سواد زلف ترا مو به مو می جویم
(صائب ۱۸۲)

فرهنگ مستتر در نمونه هایی از شعر سبک هندی

فرهنگ،نظام باورها، ارزش‌ها، رفتارها و نمادهایی است که در یک جامعه از گذشته دور تا به امروز برای تعامل افراد یک جامعه دانسته‌اند (بنیانیان، ۱۳۸۷ : ۱۵) فرهنگ همچون هوا همه جا ساری است، به همان اندازه که به دست آوردن آن سهل می‌نماید، گاه ممتنع هم هست، نظیر توجهی که شاعران سبک هندی به بسیاری از فرآورده‌های فرهنگی عوام داشته‌اند، این فرهنگ‌ها اگر چه ساختی مَدرَسی نداشته است، اما نمودار احساس، باور و عقیده مردم از گذشته‌های دور بود، چنین رویکردی باعث شده تا زندگی طبیعی و عاطفی مردم عصر صفویه به نحو چشمگیری در مقایسه با دوره‌های قبل در شعر شاعران متجلی گردد (شیروانلو، بی تا ۲-۳۱۱). تمایل فراوان بازاریان، کسبه و اهل قهوه خانه به معماگویی، لُغَز و چیستان در شب های بلند زمستان و نشاط فراوانی که از درک و کشف معانی یک عبارت به مخاطبان نایل می‌شد، انگیزه‌ای پر ارزش برای شاعران بود تا مفاهیمی از باورها، اعتقادات، کنایه‌ها، چیستان و معما را در شعر خود وارد نمایند.

آنانی که اندکی دشوار گو و تابع شیوه‌های کهن بودند، از چنین رویگردانی -گاه- شکوه‌هایی داشتند و از کمی مشتری برای سخن خود می‌گفتند:

از کمی مشتری جنس سخن خوار نیست　　تحفه گران قیمت است جوش خریدار نیست
(کلیم ص ۲۰۷)

سلیم گفتم و دارم به طره‌ات سخنی　　به خنده گفت که هندو زبان نمی‌دارد
(سراج الدین علی خان محمد؛۱۱۳۵:۱۳۶۳)

نتیجه‌گیری:

دوره صفویه مثل اعلای تبادل فرهنگی در دو سوی حرکت اجتماعی سیاسی ایران و هند محسوب می‌شود. حاکمیت شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۷ هـ‌ق در ایران آغازی شد تا با کوچ شاعران و استقبال شاهان . مردم هند از آنان، تفکر ایرانی در تمامی عرصه‌های سیاسی و اجتماعی آن سامان نفوذ یابد. از سویی دیگر بی توجهی شاهان صفوی به شعر و مدح سنتی رایج در دربار امیران و شاهان ایرانی، باعث شد تا شاعران به هند مهاجرت نمایند و در ایران افرادی کم دانش به عنوان نسل جدید ظهور نمایند که به دلیل اشتغال به حرفه‌هایی نظیر بنایی، چیت‌گری، کاشی‌کاری و... فرصت تتبع در دیوان شاعران بزرگ کشور را نداشته باشند و با کلمات دم دستی شعر بسرایند، آنان علاوه بر روند رو به رشدی که برای نفوذ فرهنگ شفاهی به ادبیات داشته‌اند، سرانجام سبک هندی را به بیراهه کشاندند. ورود این شاعران البته به دلیل ذوق بی ذوقی عوام برای دریافت مضامین ساده با استیصال شاعران برجسته این دوره هم همراه بود و گاه شاعرانی نظیر صائب، کلیم، طالب و بیدل نیز با بهره‌گیری از فولکلور، مضامین جدیدی را خلق می‌کردند که بسیار مورد توجه عموم قرار می گرفت. در بررسی اشعار سبک هندی می‌توان موارد زیر را به طور اجمال به عنوان وجوه امتیاز بهره‌گیری از فرهنگ عامه در سبک هندی برشمرد:

تجلی احساس و عاطفه توده مردم.

بازنمود فرهنگ خواص در اشارات به فرهنگ عوام در سبک هندی

فرهنگ عوام با همان زبان ساده، جهان کمال انسانی را متجلی می‌کند.

در فرهنگ عوام دغدغه‌های خواص به زبان ساده طرح شده است، حتی اگر بخواهیم آرمانهای این دو گروه را با

هم بسنجیم، خواهیم دید که دغدغه‌های مشترکی مثل چگونگی آمدن به دنیا، چگونه رفتن از آن، گذران روزگار، طی روزگار جوانی و پیری، مرگ و زندگی در آنها وجود دارد.

تحلیل اشارات فرهنگ عامه در سبک هندی نشان می دهد که این فرهنگ ریشه در آرزوهای فرو خفته تاریخ بشری دارد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- ترک وطن کسی به ارادت نمی کند یوسف به ریسمان زلیخا به چاه رفت

(شفیع – سراج الدین علی خان محمد(۱۲۰۲:۱۳۶۲)

۲- عقاید النساء مشهور به کلثوم ننه ؛به همراه مرآت البلهاء منسوب به آقا جمال خوانساری ؛ به کوشش محمود کتیرایی؛ تهران ۱۳۴۹

۳- subjective

۴- concrete

فهرست منابع:

آذر بیگدلی، لطفعلی ***بیک آقاخان*** (بی‌تا)، به تصحیح و تحشیه و تعلیق حسن سادات ناصری، تهران، امیرکبیر

آریان، قمر (۱۳۵۲)، ***ویژگی‌ها و منشأ پیدایش سبک مشهور به هندی در سیر تحول شعر فارسی***، مجله دانشکده ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره دوم، سال نهم

افتخاری، سیداسماعیل،(۱۳۸۴) ***کم کوشی زبان***، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال دوم، شماره ۷

انجوی،ابوالقاسم (۱۳۷۱) ***سهل و ممتنع***، مقدمه برکتاب فرهنگ مردم سروستان به کوشش صادق همایونی،مشهد،آستان قدس رضوی

بروان ، ادوارد،(۱۳۴۵) ***تاریخ ادبیات ایران***، ترجمه رشید یاسمی، چاپ سوم، تهران،کتابخانه ابن سینا

بنیانیان، حسن (۱۳۸۷)، ***ایده‌پردازی برای فرهنگ سازی***، تهران، سوره

بهار ، محمد تقی (۱۳۶۹)، ***سبک‌شناسی***، جلد سوم، تهران، امیرکبیر

بهروز، غلامرضا،(۱۳۸۵) ***روح زمان و نیما***، مجموعه مقالات همایش نیماشناسی، جلد اول، ساری، انتشارات شلفین

بیدل، عبدالقادر (بی‌تا)، ***دیوان غزلیات***، به تصحیح خلیل‌الله خلیلی، تهران، نشر بین‌الملل

پوینده، محمد جعفر،(۱۳۷۷)***در آمدی بر جامعه شناسی ادبیات***،تهران، نقش جهان

تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، ***تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام***، به کوشش ژاله آموزگار، جلد دوم، تهران، انتشارات سخن.

توتونی ، پروین،(۱۳۷۴) ***اصفهان و خاندان صفویه از دیدگاه نویسندگان و جهانگردان انگلیسی در قرن ۱۶-۱۷-۱۸ میلادی***، فصلنامه ادبی سیمرغ ،سال دوم شماره یکم و دوم

خاتمی، احمد. (۱۳۷۱)، ***پژوهشی در سبک هندی و دوره بازگشت ادبی***، تهران، بهارستان.

دریاگشت، محمدرسول (۱۳۷۱)، ***صائب و سبک هندی در گستره تحقیقات ادبی***، چاپ اول، تهران، نشر قطره

زرلکلی، شهلا (۱۳۸۰)، ***ساراماگو گمشده در هزار توی اسطوره***، دو ماهنامه نقد هنری فرهنگی بیدار، شماره شش، فروردین و اردیبهشت

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲)، ***با کاروان حله***، تهران، انتشارات علمی

سراج الدین، علی خان محمد (۱۳۶۳) ***چراغ هدایت(همراه با غیاث اللغات)***، به کوشش منصور ثروت،تهران، امیر کبیر

سعادت ، اسماعیل،(۱۳۸۵) ***دانشنامه زبان و ادب فارسی***، جلد اول ، تهران،فرهنگستان زبان و ادب فارسی

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶)، ***صورخیال در شعر فارسی***، تهران، آگاه.

---------- (۱۳۶۶)، ***شاعر آینه‌ها بررسی سبک هندی و بیدل***، تهران، آگاه.

شمس لنگرودی، محمد(۱۳۶۷) ***گردباد شور جنون***، سبک هندی، کلیم کاشانی،چاپ دوم، تهران،چشمه

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۲)، ***سبک‌شناسی شعر***، تهران قردوس

دانشگاه هرمزگان
مرکز تحقیقات پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی
www.anjomanfarsi.ir

شیروانلو، فیروز (بی تا)، ***محدوده و گستره جامعه‌شناسی هنر و ادبیات***، تهران،توس
صائب،محمدعلی(۱۳۶۴) ***دیوان***، به کوشش محمد قهرمان،پنج جلد، تهران ، علمی و فرهنگی
صفا، ذبیح‌اللـه (۱۳۶۸)، جلد پنجم، تهران ، فردوس.
(غنی کشمیری، دیوان،۳۵)
فتوحی،محمود (۱۳۷۹). ***نقد خیال(نقد ادبی در سبک هندی)***، تهران نشر روزگار
------ (۱۳۸۱) ***معماگویی و فقدان اسطوره گرایی***، ماهنامه کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال ششم، شماره ۳
گلچین معانی، (۱۳۷۳)، ***فرهنگ اشعار صائب***، دو جلد، تهران، امبیرکبیر
مارزلف، اولریش. (۱۳۷۱)، ***طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی***، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران، سروش.
محمدی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ***بیگانه مثل معنی نقد و تحلیل شعر صائب و سبک هندی***، تهران، نشر میترا
میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳) ، ***واژه نامه هنر شاعری***، تهران، کتاب مهناز
ناصح، محمد مهدی(۱۳۶۹)، ***سعدی و فرهنگ مردم***، ذکر جمیل سعدی،کمیسیون ملی یونسکو، جلد سوم،چاپ سوم ،سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
ولک، رنه (۱۳۷۵)، ***تاریخ نقد جدید***، جلدسوم، ترجمه سعید ارباب شیرانی، چاپ اول، تهران، نیلوفر

دانشگاه هرمزگان
انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی
هفتمین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی
www.anjomanfarsi.ir